

نقدی بر بند و دام، نه دام و دانه

حاتم نادری - ابهر

□ ۱- مطلب اول: در مجله‌ی حافظ شماره‌ی ۶۹ صفحه‌ی ۵۶

مطلبی توجه ام را جلب کرد.

حافظ به خود نپوشید این خرقة ی می آلود

ای شیخ پاک دامن معذور دار ما را

نویسنده‌ی محترم زندانه سعی کرده بود به خواجه کمک کند تا

خرقه‌ی مجازی را از تن درآورد و نفس هستی را برای شیخ پاکدامن

به نمایش بگذارد که بودنش به اختیار نبوده و خدا آفریده است. و

حاصل بیت را چنین نوشته بود: «حافظ به اختیار خویش به این دنیا

نیامد، پس ای شیخ پاکدامن ما را ببخش.» اما هیچ شیخی مدعی

نیست که کسی به اختیار خودش به دنیا آمده است، بلکه خواجه می

فرماید: ای شیخ پاکدامن کیفیت هستی من به دست خودم نبوده و

نیست. پاکدامنی تو، آلوده به می بودن خرقة ی من. عبوس زهدی

تو، خمار باده بودن من همه به دست آفریننده است. به تایید می آید:

بر وای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

من اگر خادم اگر گل چمن آرایی هست

که از آن دست که می پروردم می رویم

می خور که عاشقی نه به کسب است و اختیار

این موهبت رسید ز میراث فطرتم

۲- مطلب دوم: در مجله‌ی حافظ شماره‌ی ۶۹ (اردیبهشت

۱۳۸۹)، مقاله‌ی در صفحه‌ی ۵۲ با عنوان «بند و دام نه دام و دانه»

جلب توجه نمود. آقای پرویز خجندی مقدم، در تحلیل بیت:

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر

به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

ترکیب (بند و دام) را به (دام و دانه) ترجیح داده‌اند و نوشته‌اند:

«انسان را با دام و دانه که خاص پرنندگان است گرفتار نمی‌کنند ولی

با (بند و دام) یعنی مکر، فریب و حيله و دام‌گسترده هم انسان را

گرفتار می‌کند و هم مرغ پرنده را.» مرغ چه از پرنندگان باشد، چه از

ماکیان، دانه‌خوارند و به دنبال دانه می‌روند. دانه برای گرفتار کردن

مرغ یعنی عمل تطمیع، برای انسان نیز همین‌طور است. برای

انسان جاهل و طماع که با یک پست ریاست در دام آدم‌فروشی قرار

می‌گیرد، وقتی چشم می‌گشاید که فقط پنجاه درصد اهر بیرون

است! که نه فرو رفتنش بمد حیات است و نه برآمدنش مفرح ذات.

وانگهی آدم دانه را در ازل خورده است. «پدرم روضه‌ی رضوان به

دو گندم بفروخت / ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم» اگر به بند

و دام نگیرند مرغ دانا را، پس با چه بگیرند تا به زنجیر و زندان

بکشند؟! آیا همه‌ی آن‌هایی که در زندان هستند، نادانند؟ اگر بند،

بند عشق باشد، آیا عاشقان نادانند؟ دانایان فریب دانه نمی‌خورند

ولی در طول مجاهدت‌های خود در راستای اصلاح جامعه به بند

گرفتار می‌شوند.

نویسنده‌ی عزیز فرموده‌اند: «از لحاظ موسیقی کلام (بند و

دام) گوش‌نوازتر از (دام و دانه) است.» باید پرسید چه نوع

موسیقی؟ مثلاً اصیل یا پاپ؟ به طور کلی دلنشین یا گوش‌نواز بودن

موسیقی به احساس افراد در فرهنگ‌های مختلف بستگی دارد.

باقی قضاوت با شما.

اکنون با خواندن خطوط ذیل به نام (دو قورت و نیم) سر

انگشت خود را نمکی کنید تا به مذاق‌تان خوش آید. ما وارث

جام‌جم هستیم که هفت خط دارد. ماهنامه‌ی حافظ همان جام است.

پس بیاید تقسیم کنیم. از جور به فرودیند: سرسخن سر ریز جام -

خط اول حافظ‌شناسی - خط دوم زبان و ادبیات فارسی - خط سوم

شعر - خط چهارم داستان کوتاه - خط پنجم ایران‌شناسی - خط

ششم حقوق و سیاست - خط هفتم برخورد آراء و اندیشه‌ها. از ۸۲

صفحه ۷۰ صفحه برای هفت خط و ۱۲ صفحه‌ی دیگر برای

سرسخن و دیگر ضرورت‌ها. باشد که دست کوتاه چون منی به

خوان فرهنگ ایران زمین برسد. ■

مجلس بزرگداشت بهمن بیگی

مجلس بزرگداشت زنده‌یاد محمد بهمن بیگی مبتکر آموزش نوین

عشایری و از تأثیرگذارترین چهره‌های آموزشی و فرهنگی ایران

در تالار وحدت در ۱۱ خرداد ۱۳۸۹ برگزار شد. سخنرانان عمده‌ی

این مجلس، خانم توران میرهادی و آقای حسین شهبوارانی و

دکتر فرخ سعیدی بودند و در پایان جلسه بی‌بی‌سکینه کیانی

همسر مرحوم استاد بهمن بیگی سخنرانی کوتاه ولی موثری

کردند.

آگهی بسیار بالابندی از سوی دستاران و علاقه‌مندان مرحوم

استاد بهمن بیگی در روز دهم خرداد هشتاد و نه در روزنامه‌ی

همشهری به عنوان فراخوان این مجلس باشکوه چاپ شده بود.